۴۳ روز تا جام جهانی

در انتظار درخشش فابرگاس در آلمان

از ونگر سپاسگزارم

ترجمه : سعید محمودی

زمانی که سسک فابرگاس ۱۶ ساله از بارسلونا به آرسنال آمد مدتی طول کشید تا او آرام آرام ارزش های خود را به آرسن ونگر سرمربی فرانسوی این تیم نشان دهد اما به یک باره او در آرسنال جایگاه خود را یافت و تبدیل به مهره‌ای قابل اعتماد برای ونگر شد. عملکرد فابرگاس در مرحله یک شانزدهم پایانی لیگ قهرمانان اروپا مقابل رئال مادرید جای هیچ شک و شبهه ای را برای لوئیس آراگونس سرمربی تیم ملی فوتبال اسپانیا نگذاشت که او را به تیم ملی این کشور دعوت نکند و هم اکنون سسک فابرگاس در میان ۲۳ بازیکن تیم ملی اسپانیا قرار دارد که خود را برای شرکت در جام جهانی ۲۰۰۶ آماده می کنند. پل مرسون بازیکن سابق تیم فوتبال آرسنال یکی از تمجیدکنندگان فابرگاس است. او درباره این بازیکن جوان اسپانیایی می گوید: من مطمئنم اگر آراگونس او را در ترکیب اصلی تیم ملی فوتبال اسپانیا قرار دهد خواهد توانست به درستی پاسخ اطمینان مربی اش را بدهد. در سوی مقابل فابرگاس با خونسردی و خوشحالی اظهارنظرات مختلف را درباره خود می شنود و تنها به گفتن این جمله بسنده می کند که «خیلی دوست دارم در جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان حضور داشته باشم. حالا اگر هم این شانس را داشته باشم که فقط یک بازی را در تیم ملی کشورم انجام دهم برایم کافی است و به این اتفاق افتخار خواهم کرد.» فابرگاس از تیم ملی نوجوانان اسپانیا خود را به عنوان یک استعداد به جهان فوتبال معرفی کرد. فوتبال جهان برای اولین بار در جریان مسابقات فوتبال نوجوانان قهرمانی جهان در فنلاند در سال ۲۰۰۳ وی را شناخت و او در این رقابت ها توانست عنوان بهترین بازیکن و بهترین گلزن این رقابت ها را از آن خود کند. در این رقابت ها تیم ملی فوتبال اسپانیا در دیدار پایانی نتیجه را به برزیل واگذار کرد و فابرگاس جوان نتوانست به سومین افتخار خود در این رقابت ها که همان کسب عنوان قهرمانی نوجوانان جهان در فنلاند بود برسد. حسنی که رقابت های نوجوانان جهان برای فابرگاس داشت این بود که وی پس از این رقابت ها از بارسلونا به آرسنال رفت. در آن زمان مسئولان بارسلونا نیز تمایل زیادی داشتند که بر روی این بازیکن جوان که در آن موقع ۱۶ ساله بود سرمایه گذاری کنند ولی فابرگاس در آن زمان تصمیم گرفت که آرسنال را برای ادامه کار خود انتخاب کند کمااینکه فابرگاس در مصاحبه های بعدی خود تاکنون با خوشحالی از تصمیم خود یاد می کند و می گوید از اینکه آرسنال را انتخاب کرده‌ام خیلی خوشحالم. فابرگاس در آرسنال نیز تلاش های زیادی کرد که خود را به تیم اصلی آرسنال نزدیک کند و او در حال حاضر یکی از مهره های اصلی آرسن ونگر محسوب می شود. ونگر درباره ستاره اسپانیایی خود معتقد است او می تواند در آرسنال به بلوغ فوتبال خود برسد و تبدیل به یکی از دارایی های این باشگاه شود. فابرگاس فوتبال را به یک رشته طناب تشبیه می کند. او می گوید: سررشته این طناب از خانواده و دوستان آغاز می شود که در همه لحظات پشتیبان و یاورت هستند. درباره خودم فکر می کنم یک فرد دیگر را باید به این جمع اضافه کنم و او آرسن ونگر سرمربی آرسنال است. او فردی است که به من این فرصت را داد که در تیمی مانند آرسنال بازی کنم... او همیشه با من خوب رفتار کرده و من هرچه در تلاش دارم برای موفقیت آرسنال به کار خواهم برد، او کمک های زیادی را در رشد فوتبال به

من کرده است و من از ونگر سپاسگزارم. یک سال پس از آنکه فابرگاس بارسلونا را به مقصد آرسنال ترک کرد، آرسن ونگر در فصل ۲۰۰۵/ ۲۰۰۴ از او در بازی مقابل اورتون استفاده کرد. او در همان زمان توانست در ۱۷۷ روز حضور در آرسنال تبدیل به جوان ترین بازیکن این تیم شود که در ترکیب اصلی آرسنال قرار می گرفت. در همان زمان بود که وی در مسابقه فینال جام اتحادیه مقابل رودرهام بازی کرد و ۳۵ روز پس از این تاریخ وی با گلزنی در بازی مقابل ولورهمپتون استعداد خود را بیش از پیش به آرسن ونگر نشان داد. اینها پایان کار برای فابرگاس نبود چرا که ونگر تصمیم گرفت از فابرگاس در لیگ قهرمانان اروپا مقابل سلتاویگو استفاده کند و رفته رفته او تبدیل به یکی از جوان ترین فوتبالیست های قاره اروپا شد که بازی در لیگ های معتبر این قاره را تجربه می کرد. در ماه مارس گذشته وی به طور ثابت در ترکیب تیم ملی اسپانیا در بازی دوستانه مقابل ساحل عاج قرار گرفت و عملکرد خوبی از خود در این رقابت ها نشان داد. بسیاری از مردم اسپانیا معتقدند که فابرگاس پس از آنخل زوبیتا در سال ۱۹۳۸ تبدیل به بهترین بازیکن جوان تیم ملی اسپانیا شده است که می تواند ارزش های خود را در تیم ملی کشورش به نمایش بگذارد. سسک فابرگاس پس از انجام چند بازی در تیم ملی بزرگسالان اسپانیا از تجارب به دست آمده به عنوان یک سرمایه ارزشمند نام می برد و می گوید بازی در تیم ملی شرایط خاص خود را دارد شما در تیم ملی هم زیر فشار قرار داری و هم تحسین می شوی. اما در مجموع برای من تجارب مفید و لحظات خوبی در تیم ملی اسپانیا به وجود آمد و حالا که من ۱۸ سال دارم فکر می کنم باید از تجارب بازیکنان بزرگ اسپانیا بهره بگیرم. تحلیلگران فوتبال اسپانیا معتقدند که فابرگاس می تواند از حالا امیدوار باشد که در جام جهانی آلمان به یکی از بازیکنان فیکس تیم ملی کشورش تبدیل شود و او از حالا باید برای آلمان چمدان های خود را ببندد و کسی چه می داند شاید این بار و در جام جهانی ۲۰۰۶ نوبت فابرگاس باشد که انتقام حذف مقابل آرژانتین و یاران لیونل مسی در جام جهانی جوانان سال گذشته را بگیرد و این بار او باشد که به مسی بگوید اسپانیا با فابرگاس به مراحل بالاتر جام جهانی صعود کرده است.

منبع : Fifa

ریموند دومنک از بی تابی اش برای شروع جام جهانی می گوید

فرانسه برای قهرمانی چیزی کم ندارد

ترجمه : آرمن ساروخانیان

تیم ملی فرانسه با ستارگانی مانند زیدان، آنری، ویرا، ماکلله و تزرگه یکی از مدعیان جام جهانی خواهد بود. هدایت این تیم در آلمان با ریموند دومنک است، مردی که در دو سال اخیر و پس از جانشینی ژاک سانتینی با انتقادات زیادی روبه رو شده است؛ از نتایج و آرایش تیم تا انتخاب بازیکنان. ولی او با اطمینان از نهم ژوئیه و فینال مسابقات می گوید. دومنک در این گفت وگوی طولانی برنامه هایش را برای موفقیت در این نبرد دشوار بازگو می کند.

■■■

■با نزدیک شدن جام جهانی، چه احساسی به شما دست می دهد؟

بی تابی. بی صبرانه منتظر شروع مسابقات هستم. همان حالت روحی ای را دارم که هنگام مسابقات مقدماتی یا پیش از بازی های دوستانه داشتم. لذت تمرینات و مسابقات دوباره به سراغ ما خواهد آمد. زندگی گروهی را هم فراموش نکنید. این بی تابی از دو سال پیش همراه من است. زنده باد نهم ژوئیه! (روز فینال جام جهانی)

■و برنامه شما برای مدت باقی مانده به دقت تنظیم شده...

بله. وقتی به تقویم نگاه می کنم، متوجه می شوم که دیگر چیزی نمانده. کمتر از دو ماه. دیگر نمی توان گفت که جام جهانی متعلق به آینده است. به علاوه کسانی هستند که هر روز این مسئله را به من یادآوری می کنند. یک ماه و نیم در آنجا خواهیم بود و باید گروه را آماده کنیم. کار ما از حالا شروع شده، نه از نظر فنی، بلکه مسائل جانبی.

■آیا برای آماده سازی جام جهانی فشار زیادی دارید؟ ترس اینکه مشکلی غیرمنتظره برنامه شما را به هم بریزد؟

نه، این تنش نیست، بلکه بیشتر هیجان است. باید تمام انتخاب ها و احتمالات را در نظر گرفت. همان طور که برای آماده سازی تیم تلاش می کنیم، باید برای مسائل پیرامونی تیم هم سنگ تمام بگذاریم. این جزیی از زندگی یک تیم در جام جهانی است. نمی توانیم هیچ چیزی را نیمه کاره بگذاریم.

■دو ماه مانده به جام جهانی، ترس بیشتری از مصدومیت بازیکنان ندارید؟

نه، چون چیزی را تغییر نمی دهد. ترس، خطر را رفع نمی کند. می دانیم که این مسئله وجود دارد و جزیی از حوادث فوتبال است. هر اتفاقی ممکن است، پس باید برای آن آماده باشیم. باید برای پر کردن جای خالی مصدومین آماده باشیم. به همین دلیل است که وقتی برای نگران شدن نداریم.

■چرا اعلام فهرست نهایی در روز پانزدهم مه، برای شما اینقدر مشکل ساز شده است؟

فهرست باید یک ماه پیش از مسابقات اعلام شود و این فاصله زیادی است. تمام لیگ ها تا چهاردهم مه به پایان می رسند و بازیکنانی که انتخاب نشده باشند، به تعطیلات می روند. حال اگر بازیکنی هنگام آماده سازی مصدوم شود، چه باید بکنیم؟ باید بازیکنی را دعوت کنیم که به جزایر آنتیل، مالدیو یا ایالات متحده رفته است. خیلی دشوار است که از بازیکنی که ده روز در سفر بوده، برای تکمیل فهرست تیم دعوت کنیم. ما تنها می خواستیم شش یا هفت بازیکن اضافه را نگه داریم، درست همان کاری که امه ژاکه در سال ۱۹۹۸ انجام داد.

■تمام مربیان هم این مشکل را دارند. آیا می توان تصور کرد که آنها برای جابه جا کردن این تاریخ یکصدا شوند؟

من با اریکسون، لیپی، فان باستن و چند مربی دیگر صحبت کرده‌ام. همه آنها متفق القولند که این تصمیمی اشتباه است و باید کاری کرد. من کسی نبودم که این شورش را به راه انداخته است. همان طور که لیپی گفته آنها ما را احمق فرض می کنند، چرا که به حرف های ما هیچ توجهی نکردند.

■در عوض فدراسیون فوتبال فرانسه با جلو کشیدن تاریخ فینال جام حذفی فرانسه، به حرف شما گوش کرد.

به همین دلیل است که ناامید نشده‌ام. وقتی حرف شما منطقی باشد، می توانید آن را پیش ببرید. درست مانند فینال جام حذفی، این تاریخ پانزدهم مه نیز برای تمام مربیان از نظر فنی پذیرفتنی نیست. ولی با خودم می گویم که این ممکن نیست و بالاخره به حرف ما گوش می کنند.

■یک شیفتگی عمومی نسبت به تیم ملی فرانسه وجود دارد. نگران نیستید که از موفقیت شما بهره برداری سیاسی یا غیره شود؟

این را از صمیم قلب آرزو می کنم. بهره برداری از موفقیت تیم ملی پس از نهم ژوئیه؟ همین حالا حاضرم پای برگه را امضا کنم. این فوق العاده خواهد بود و اهمیت فوتبال را نشان می دهد. ما یک بار این مسئله را در سال ۱۹۹۸ تجربه کردیم. اما این یک بهره برداری برنامه ریزی شده نبود. مردم به طور طبیعی احساس کردند به این گروه که پیش می رود و پیروز می شود، دلبستگی دارند. به عقیده من این یک بهره برداری نیست، بلکه نتیجه منطقی موفقیت یک تیم و یک کشور است که همه خود را در آن شریک می دانند.

■در عوض در سال ۲۰۰۲، هر کدام از شکست های تیم ملی با واکنش های سیاستمداران و وزیران همراه بود.

چیزهایی هست که نمی توانم از آن جلوگیری کنم و با آن نمی جنگم. وظیفه من مشخص است: در جام جهانی تا جای ممکن و تا انتها پیش بروم. بقیه مسائل هیچ منعی ندارد. چند روز قبل با کلینزمن بودم و در باره بلاهایی که بر سر او آمده، صحبت می کردیم و می خندیدیم. کار دیگری از دست ما برنمی آید، اما این اهمیت ورزش را نشان می دهد. این چیزی نیست که تنها مربوط به فرانسه باشد و همه می بینیم که در برزیل، آرژانتین، اسپانیا و انگلیس چه می گذرد. همه جا همین است و قرار نیست به خاطر این گریه کنم.

■شما یک ماه و نیم در کنار بازیکنان زندگی خواهید کرد. آیا این برخورد شما را با آنها نسبت به اردوهای کوتاه مدت تغییر می دهد؟

در اردوهای کوتاه مدت تنها با لحظه های سرنوشت ساز و فشار دائمی روبه رو هستیم. هیچ وقت اضافی در اختیار ما نیست. در عوض در دوره های طولانی تر می توانیم زمان های آرام تری نیز داشته باشیم. بنابراین ممکن است که آنها را کمی آزاد بگذارم، چیزی که وقتی هشت روز در کنار هم هستیم و باید دو بار بازی کنیم، ممکن نیست. باید به آنها آزادی و اختیار عمل بدهید. سپس به لحظات حساس پیش از بازی بازگردید. نباید تصور کنید که آنها می توانند تمرکزشان را دو ماه در بالاترین سطح حفظ کنند. این غیرممکن است. نه برای بازیکنان و نه برای مربی. بنابراین باید وقت های استراحت را هم در نظر گرفت.

■شما عادت داشتید که تیم امید را از اردو خارج کنید و به دیدن موزه و آثار تاریخی ببرید. آیا انجام این کار در آلمان شدنی است یا باید به فکر راه حل دیگری باشید؟

این کار ممکن است. انتخاب های زیادی برای کار وجود دارد. من کتابی در مورد نقاط دیدنی محل اردویمان، میان هانوفر و هامبورگ تهیه کرده‌ام. ظاهراً بندر جالبی در آنجا هست و یک روز را به آن اختصاص می دهیم.

■آیا برای اردوی تیم یک قانون داخلی مکتوب در نظر می گیرید؟

من به چیزی که مکتوب باشد، اعتقاد ندارم. من به کسی که چیزی را امضا می کند، لزوماً اعتماد ندارم. بیشتر معتقد به آزادی شخصی هستم که توسط گروه تحت کنترل باشد. هر کسی باید آینه دیگری باشد و بگوید: «دست نگه دار، تو اجازه این کار را نداری و خودت هم این را می دانی. پس این کار را نکن! تو تیم را به دردسر می اندازی.» فکر می کنم که لزومی به گفتن این حرف ها نیست. آنها این مسائل را می دانند و حرفه ای هستند. نوشتن ده فرمان برای جام جهانی کار خوبی است، ولی همیشه یک نفر چیزی را پیدا می کند که در این بین نوشته نشده باشد. من بیشتر به مسئولیت پذیری فردی اعتقاد دارم. اگر گروه متحد و مایل به رسیدن به هدف باشد، نیاز به نوشتن چیزی ندارد. تنها لازم است که در چشم یکدیگر نگاه کنند.

■آیا این روش شما در مسابقات قهرمانی اروپا با تیم امید بود؟

ما هیچ چیزی ننوشتیم، نه در المپیک و نه در مسابقات قهرمانی اروپا. ولی یک قانون کلی وجود داشت: «اجازه هر کاری را نداریم.» هیچ وقت فراموش نمی کنیم پیراهنی که به تن می کنیم، معرف چه چیزی است و هر گاه در مسابقات هستیم، هر جا که باشیم و هر کاری که بکنیم به عنوان نماینده تیم ملی فرانسه شناخته می شویم. لازم به نوشتن چیزی نیست. تنها باید به بازیکنان بگویید: «ما به شما اعتماد می کنیم، حالا با شماست که حقانیت ما را ثابت کنید.»

■گویی در اردوی قبلی، برخی از بازیکنان برای حفظ آرامش گروه در جام جهانی به دنبال وضع قوانینی بودند. آیا آنها را مسئولیت پذیر می دانید؟

اگر موفق شویم این پیغام را به آنها برسانیم، عالی است. همیشه نمی توانیم قوانینی را به زور پیاده کنیم. آنها خودشان باید حس کنند چه چیزی مزاحم آنها است و جلوی آن را بگیرند. همیشه به قوانینی که از داخل تیم می آیند، اعتقاد داشته‌ام. قانونی که از خارج اعمال شود، تنها مدتی دوام دارد.

آنها همیشه باید از خودشان بپرسند: «چه چیزی به نفع تیم است؟» فقط از آنها می خواهم کمی باهوش باشند و آرزوی من تیمی است که قوانین داخلی خودش را اجرا کند.

■آیا در انتخاب ۲۳ نفر نهایی، توان بازیکنان در پی ریزی یک زندگی گروهی را هم درنظر می گیرید؟

این مسئله را هم در نظر می گیرم، ولی اولویت همچنان توان فنی بازیکنان است. نمی خواهم این هم به مانند ماجرای ستاره شناسی، وقتی به شوخی گفتم که از آن برای انتخاب فهرست نهایی استفاده می کنم، سروصدا کند. اما طبیعی است که استدلال های من برای انتخاب بازیکنان، با دیگران متفاوت باشد.

■شاید مردم این استدلال ها را متوجه نشوند.

اگر بخواهم به حرف همه گوش کنم، باید تیمم را با دو دروازه بان، فقط گالاس در دفاع، ماکلله در هافبک دفاعی، سه هافبک تهاجمی و چهار مهاجم به زمین بفرستم. شخصاً حاضر نیستم که روی موفقیت چنین تیمی شرط بندی کنم (می خندد). در تیم باید به یک تعادل رسید. بدین ترتیب کسانی هم از انتخاب من ناراحت خواهند شد، چون نمی توانم چهارده مهاجم انتخاب کنم. دیگر نمی خواهم راجع به این توضیح بدهم.

■آیا در این مورد به بازیکنان خط خورده توضیح خواهید داد؟

البته. در مورد انتخاب هایم به آنها توضیح خواهم داد، حتی اگر بدانم که استدلال های مرا درک نمی کنند. ولی اولین کسی خواهم بود که این خبر را به آنها می دهم.

■خیلی از وابستگی تیم به زیدان صحبت می شود. آیا به یک ترکیب متفاوت برای غیبت احتمالی زیدان فکر کرده اید؟

دو سال است که به این موضوع فکر می کنم. ما سیستم های متفاوتی را آزمایش کردیم، چرا که متاسفانه نتوانستیم در هجده بازی، حتی برای یک بار متوالی از ترکیب ثابتی استفاده کنیم. این روزها می بینم که همه نگران زیدان اند، ولی این مرا می خنداند. در شرایط فعلی ترجیح می دهم که همین طور باشد. او به اندازه کافی هوش و تجربه دارد که در خلال جام جهانی آماده باشد. من به او کاملاً اعتماد دارم. بگذار بقیه نگران او باشند، بلکه او را راحت بگذارند. به هر حال مصدومیت ممکن است از راه برسد. برای او و همچنین برای بقیه در فهرست تیم باید همه این مسائل را در نظر گرفت.

■شما از دو سال پیش راجع به نهم ژوئیه صحبت می کنید. ولی فرانسه چه مزیتی نسبت به سایر تیم ها دارد تا بتواند قهرمان جهان شود؟

تیم ملی فرانسه لزوماً برتری خاصی ندارد، ولی هیچ چیزی هم کم ندارد. سرنوشت جام جهانی تنها براساس توانایی های فردی مشخص نمی شود، وگرنه در سال ۲۰۰۲ قهرمان می شدیم. قهرمان تیمی خواهد بود که این را بیش از سایرین باور داشته باشد. تیمی که برای قهرمانی به خوبی تدارک ببیند و مصمم ترین باشد. امروز تفاوت زیادی میان بازیکنان وجود ندارد و عملکرد تیم ها است که به آنها برای فتح قله کمک می کند.

■برای رسیدن به این هماهنگی چه برنامه ای دارید؟

در این دوره یک ونیم ماهه، هر روز کنار بازیکنان هستیم و فرصت بیشتری برای نزدیک شدن به اهداف مان داریم. اشتباهی حرفه ای خواهد بود، اگر فرصت نزدیک شدن با آنها را از دست بدهم. شخصاً دوست دارم که با آنها باشم و از تحسین کنندگان آنها به شمار می روم. چند روز پیش فینال جام حذفی فرانسه در سال ۱۹۷۳ را تماشا می کردم. از دیدن پدربزرگ هایی که در زمین راه می رفتند خجالت کشیدم! وقتی سرعت و تکنیک فوتبال امروز را می بینم... حتی در خواب هم چنین کارهایی نمی کردیم. بنابراین به آنها دویدن، دریبل زدن و تکل کردن را یاد نمی دهم، آنها این کارها را به خوبی می دانند. ولی بر روی جزئیات ظریفی کار می کنیم که موجب هماهنگی میان بازیکنان و خطوط مختلف می شود. بزرگترین لذت برای من، زمانی است که حرکتی از پیش تمرین شده را درون زمین می بینم.

■بنابراین علاقه چندانی به اردوهای کوتاه مدت ندارید.

رابطه های واقعی زمانی شکل می گیرد که مدت زیادی در کنار بازیکنان باشید. امه ژاکه در این مورد می گوید: تیم قهرمان جهان در سال ۱۹۹۸، در جام ملت های اروپا در سال ۱۹۹۶ شکل گرفت. بدون یورو ۹۶، قهرمانی دو سال بعد میسر نبود. اهمیت حضور دائمی در تورنمنت های بزرگ همین است.

■آیا در مورد دروازه بان اصلی به نتیجه رسیده اید؟

از ابتدا ایده‌ای در ذهن داشتم و در خلال این ماه ها به نتیجه رسیده‌ام. تا دو سال پیش همه چیز آشکار بود. بعداً کوپه ثابت کرد که سطح بازی در تیم ملی را دارد و نمایش او در دوبلین نیز بهترین گواه بود. در بازی های مقدماتی هر دو فرصت یکسانی برای بازی خواهند داشت.

برونو مارتینی (مربی دروازه بان ها) نیز این دو را کاملاً زیرنظر دارد.

■اما یورگن کلینزمن نظرش را اعلام کرد.

کلینزمن در فضایی کاملاً آلمانی قرار داشت. بایرن فشار زیادی به او وارد می کرد و او نظرش را یک روز قبل از بازی با وردربرمن اعلام کرد. اما مطبوعات مرا مجبور کردند که چنین کاری بکنم.

حالا می فهمم که چرا مربیان قبلی کمتر حرف می زدند. با این حال من سعی کردم خودم باشم و حرفم را بزنم، ولی متوجه شدم که این ممکن نیست.

■تصمیم دیگری ممکن است به کار شما خدشه وارد کند: بازنشستگی زیدان. آیا اعلام این خبر پیش از جام جهانی، گروه شما را به هم نمی ریزد؟

حتی به این موضوع فکر نمی کنم. نمی دانم چرا او باید بازنشسته شود. او هنوز یک سال با رئال مادرید قرارداد دارد. بنابراین می تواند به راحتی به انجام آنچه در توان دارد، ادامه دهد. شخصاً ترجیح می دهم که او پنج یا شش سال دیگر بازی کند تا زمانی که می تواند. همیشه به بازیکنان می گویم تا جای ممکن از فرصت استفاده کنید، حتی اگر کمتر از قبل در ترکیب اصلی باشید. پس زیزو، ادامه بده!

خلاصه گفت وگو

من به چیزی که مکتوب باشد، اعتقاد ندارم. من به کسی که چیزی را امضا می کند، لزوماً اعتماد ندارم. بیشتر معتقد به آزادی شخصی هستم که توسط گروه تحت کنترل باشد. هر کسی باید آینه دیگری باشد و بگوید: «دست نگه دار، تو اجازه این کار را نداری و خودت هم این را می دانی. پس این کار را نکن! تو تیم را به دردسر می اندازی.» فکر می کنم که لزومی به گفتن این حرف ها نیست. آنها این مسائل را می دانند و حرفه ای هستند. نوشتن ده فرمان برای جام جهانی کار خوبی است، ولی همیشه یک نفر چیزی را پیدا می کند که در این بین نوشته نشده باشد.

نگاه

اختلاف کاروالیو با استاد پرتغالی

پایان جنگی خاموش

سهیل نوری پناه

دقیقاً هنگامی که روزنامه تایمز خبر تاییدی شبکه ZDF آلمان مبنی بر توافق کامل میشائیل بالاک و سران چلسی را در صفحه نخست بخش ورزشی اش کار کرد در کنار همان خبر آورد: «ریکاردو کاروالیو و پایان جنگی خاموش!» بله! ریکاردو کاروالیو این مدافع گرانقیمت و توانای استمفوردبریج پس از دو سال حضور در لندن قصد دارد چلسی را به مقصد جایی- احتمالاً اسپانیا- ترک گوید. مرد ۱۹ میلیون پوندی سابق پورتو که مورینیو شکوفاکننده اش بود در سال نخست اقامتش در لندن کارنامه ای رویایی و فوق العاده بر جای نهاد. در اکثر هفته ها توانست روند یکنواخت و رو به رشدش را تثبیت کند و در کنار جان تری موفق شد به عنوان یکی از ارزشمندترین مدافعان میانی اروپا خود را معرفی کند. هر اندازه نخستین سال برای او مالامال از کامیابی و موفقیت بود در سال دوم- یعنی در همین فصل جاری- بیشتر درگیر جنگ های گاه و بی گاه و اغلب خاموشش با خوسه مورینیو سرسخت بود. داستان از آنجا کلید خورد که مورینیو او را در نخستین دیدار چلسی در لیگ برتر جای نداد، یعنی در برابر ویگان آتلتیک تازه صعود کرده و در جی جی بی استادیوم... حیرت انگیز بود. وقتی چند روز پس از آن مسابقه - که با گل زیبا و حساس هرنان کرسپو به نفع لندنی ها خاتمه یافت- کاروالیو این نکته را برنتابید و با مصاحبه ای عجیب و جنجال برانگیز سرمربی مقتدر «چلسی ها» را غیرقابل پیش بینی خطاب کرد. او گفت: «واقعاً نمی فهمم که مورینیو چه می اندیشد؟! چنین نگرشی از او برایم غیرقابل هضم است!» پس از این مصاحبه پیش بینی می شد که مورینیو- مردی که هیچ خطا و گفته ای را ناگفته و بی پاسخ به حال خود رها نمی کند- لب به اعتراض بگشاید و با همان جملات طعنه آمیز و اشنایش شاگرد قدیمی اش را مورد هدف قرار دهد. آن هم با زبان تند و زهرداری که او دارد! مورینیو که حتی اجازه نداد سکوتش بیش از چند ساعت به درازا بکشد گفت: «حیرت انگیز است شنیدن چنین جملاتی از ریکاردو... کسی که سال ها است زیر نظر من کار می کند باید شناختی بسیار عمیق از من داشته باشد. شاید او مغزش را از دست داده... بهتر است سری به مرکز سنجش هوش بزند. بهتر است برود و تست IQ بدهد!» جاری ساختن چنین جملاتی از او شعله آتش خصومت را شعله ورتر ساخت! او شاید نزدیک به یک ماه در لیست سیاه تکنسین پرتغالی جای داشت و در بازی با اندرلخت در لیگ قهرمانان اروپا بود که روزه حاشیه نشینی اش شکست و در قلب خط دفاعی آبی ها جای گرفت. اما این بدان معنا نبود که او دوباره در نگاه مورینیو همان مدافع کارکشته و مطیع اش باشد. تا اینکه دو مرتبه کاروالیو به دلایل مرموزی اردوی چلسی را ترک گفت و مورینیو تا امروز او را در سه بازی اخیر- و

صدالبته حیاتی و تعیین کننده- چلسی به کار نگمارده است. تا اینکه روزی در یکی از کمپ های آماده سازی تیمش علناً در برابر هنری وینتر سردبیر بخش فوتبال دیلی تلگراف عنوان ساخت: «تابستان امسال قصد دارم سه تن از بازیکنان تیم را از لیست خارج کنم. برخی ها که کمتر مجالی برای خودنمایی دارند -شاید کسانی چون وین بریج، گلن جانسن، هرنان کرسپو، کارلتون کول- و نیز گروهی که چندان برای تیم مفید نیستند و حضورشان جز دردسر عاید دیگری برای ما ندارد!» به نظر شما این دسته دوم کسی جز ریکاردو کاروالیو است؟! بله! کاروالیو در تمام مدت فصل جاری یک مهره سوخته و منفور برای خوسه مورینیو بود. ممکن است با گر گرفتن این آتش دشمنی و عداوت مورینیو مدافع با ارزش و گرانبهایش را از دست رفته ببیند و کاروالیو نیز جایگاهی را از دست دهد که امروزه بسیاری از اسلافش آرزوی سکنی گزیدن در آن را در اندیشه می پرورانند، یعنی خط دفاعی بهترین تیم بریتانیا و نیز یکی از برترین ها در اروپا... !می گویند سران بارسلونا و رئال مادرید که به شدت به مهره ای چون او در آن منطقه از خط دفاعی شان احتیاج دارند با وکلیش وارد گفت وگو شدند. به ویژه لوس مرنگس- رئال مادرید - که الگرا و وودگیت را از دست رفته می بیند و به مدافعی مجرب و میدان دیده نیاز دارد که در کنار سرخیو راموس جای دهد! اما در این گیرودار بی شک کسی که از این نزاع و جنجال برای خود امتیازی کسب می کند کسی جز ویلیام گالاس فرانسوی نیست. مدافع همه فن حریفی که طی این پنج سال اخیر در چلسی در تمام مناطق خط دفاعی چلسی جابه جا می شد دوست دارد برای همیشه در منطقه ایده آلش یعنی مرکز خط دفاعی جای گیرد. او که به عنوان یک مدافع چپ در دو فصل اخیر به میدان رفته است در این پست غیرتخصصی اش نیز بسیار درخشان و پرفروغ نشان داده است. آن هم در حالی که این تیم دو مدافع چپ کلاسیک مانند وین بریج- در فصل پیش- و اسیر دل هورنو- فصل جاری-در اختیار دارد. اواسط فصل بود که گالاس کاسه شکیبایی اش سر رفت و از نارضایتی اش مبنی بر حضور مداوم او در جایی جز قلب دیوار تدافعی آبی ها خبر داد. با جدایی کاروالیو، مورینیو بدش نمی آید به سراغ مدافع مورد علاقه اش یعنی لدلی کینگ برود. کاپیتان اسپرز هر چند انتقالش به رقیب و دشمن قدیمی وایت هارت لین هزینه ای بیش از مبلغی که آبی ها برای به خدمت گیری کاروالیو خرج کردند برمی دارد، مدت ها است که در فهرست مردان مورد نظر «مرد ویژه» برای پنجره تابستانی نقل و انتقالات فوتبال جزء نفرات نخست است.